

# زندگی با افراد روان پریش

عکس: [Bigstock.com](http://Bigstock.com) OSTILL

رزا خورشیدی - مشاور ازدواج و خانواده درمانی

مدتی پیش، دوست عزیزی از من خواست که در مورد زندگی و رفتار با افراد روان پریش Psychopath مطلبی جهت انتشار بنویسم. شنیدن این مطلب از زبان یک فرد تحصیلکرده برای من زنگ خطری بود حاکی از اینکه در جامعه تصور صحیحی نسبت به روان پریشی وجود ندارد.

او از من میخواست که با استفاده از دانش روانشناسی و مشاوره خانواده، چند راهکار برای زندگی با افراد روان پریش بویژه برای همسران آنها ذکر کنم.

در ذهن من این سوال پیش آمد که مردم چقدر در مورد این اختلال شخصیت اطلاع دارند؟ شاید بگویید مردم از خیلی مسائل اطلاع کافی ندارند و امکان اینکه از همه چیز اطلاع داشته باشند، اساساً وجود ندارد.

بله این حرف درست است ولی نداشتن اطلاعات ابتدایی در مورد اختلال شخصیت روان پریشی که به آن سایکوپث هم گفته میشود، ممکن است برای ما بسیار گران تمام شود.

همینکه دوست من از من چنین درخواستی داشت، نشان میدهد که خیلی ها ممکن است فکر کنند که اصولاً چنین چیزی ممکن است. منظورم زندگی و ارتباط سالم با افراد روان پریش است.

شاید فکر کنند که احتمالاً با دانستن چند راهکار که اینکارها را بکنید و اینکارها را نکنید، میتوان اگر نه یک زندگی ایده آل، لاقلاً یک زندگی قابل تحمل با روان پریشان داشت.

**یک واقعیت انکار ناپذیر که همگان باید در این مورد بدانند، این است که برخورد با یک فرد روان پریش کار افراد عادی نیست و امکان برقراری یک ارتباط سالم با آنها وجود ندارد.** در این نوشتار دلایل این ادعا به زبان ساده ارائه میشود.

ما نسبت به خودمان و دیگران در خلال روابط نزدیک، شناخت پیدا میکنیم. ولی اگر یکی از این روابط صدمات شدیدی به روح و روان ما وارد آورد، بطوریکه فقط با کمک تخصصی میتوانیم آن صدمات را ترمیم کنیم، چی؟ این اتفاقی است که در یک رابطه نزدیک با یک روان پریش میفتد.

روان پریشی یک اختلال شخصیت است که در نتیجه سوء کارکرد مغز حادث میشود. وقتی از اختلال شخصیت صحبت میشود، باید بدانیم که آن اختلال تمامی جنبه های شخصیت یک فرد را تحت الشعاع قرار میدهد و بر کل زندگی او تاثیر میگذارد.

مطالعات حاکی از پایه های نیرومند ژنتیک در بروز این اختلال است. بین دو دهم درصد تا دو درصد مردم دنیا گرفتار روان پریشی هستند و تعداد مردان در این میان بیشتر از زنان است. روان پریشی یک وضعیت پیچیده روانی است که شامل موارد ذیل است:

1- یک اختلال نهفته در کارکردهای عصب شناختی

2- طیفی از شدت که روی یک پیوستار قرار میگیرد. یعنی اختلال ممکن است ضعیف تا بسیار شدید باشد.

3- پاره ای نشانگان مثبت، مثل توانایی انطباق، یا پنهان کردن رفتارها و ویژگیهای بیمارگونه

4- وجود زیرگروههای روان پریشی اولیه و ثانویه

روان پریش ها یا از دیگران سوء استفاده میکنند یا خود مورد سوء استفاده قرار میگیرند که البته مورد اول شایع تر است. در مواردی که از دیگران سوء استفاده میکنند، برایشان مهم نیست که آن فرد، هرکه هست، دارد زجر میکشد. اطرافیان هرقدر هم که به آنها محبت کنند و خوشرفتاری پیشه کنند، هیچ تفاوتی در رفتار یک روان پریش ایجاد نمیکند.

روان پریشی میتواند شامل طیف وسیعی از نشانگان آسیبی باشد. از جمله:

عدم توانایی همدلی، قساوت و سنگدلی، دروغ‌گویی بیمارگونه، جذابیت بی‌حوصلگی، تکبر، سرزنش و ملامت دیگران، تسلط، پرخاشگری، تکانشی بودن

افراد روان پریش معمولاً گرفتار ملغمه‌ای از بیکاری (بخاطر از دست دادن پی در پی شغل)، دو به هم زنی میان دیگران و ایجاد تفرقه میان دوستان صمیمی و حتی زوج‌ها هستند. آنها برای خانواده و همسر خود یک تراما به شمار می‌روند و انواع مصیبت‌ها مثل بیوفایی و خیانت، پرخاشگری، ضرب و شتم و صدمات روحی بسیار شدید را برای آنها به ارث می‌گذارند.

باید بیاد داشت که روان پریشی اختلالی است که روی یک طیف قرار می‌گیرد. یعنی همه روان پریش‌ها به یک اندازه دچار اختلال رفتاری نیستند. بعضی‌ها بهتر و بعضی‌ها بدتر هستند. شواهد نشان داده است که دو نوع عمده روان پریشی وجود دارد: اولیه و ثانویه. نشانگان بنیادی در هر دو نوع وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که سبب شناسی در آنها متفاوت است.

روان پریشان اولیه، این نشانگان را بروز می‌دهند: واکنش‌های عاطفی بسیار محدود، فقدان هرگونه اضطراب، و خودشیفتگی مزمن. به خاطر شواهد قوی مبنی بر ژنتیک بودن این اختلال، امکان نسبت دادن آن به تجارب تلخ کودکی بسیار کم است. روان پریشی در واقع یک اختلال بیولوژیک عصب شناختی - رشدی است.

برعکس، روان پریشان ثانویه، قادر به نشان دادن واکنش عاطفی هستند و افراد پر تنشی به شمار می‌روند. آنها اغلب مضطرب هستند و اختیار هیجان‌ات خود را ندارند. تحقیقات نشان داده است که تجربه تراما، سوءرفتار، و انواع فاکتورهای محیطی، با روان پریشی ثانویه ارتباط معنی دار دارند. به طوریکه بعضی از محققین اصلاً روان پریشی ثانویه را روان پریشی محسوب نمی‌کنند و به آن نام دیگری می‌دهند: جامعه ستیز یا Sociopath. به هر حال خصیصه مشترک هر دو نوع روان پریشی دو چهره‌ای بودن است. بسیاری از آنان یک چهره نمایشی بسیار جذاب، مهربان، صمیمی و خوش مشرب و حتی کاریزماتیک دارند که مثل کهربا افراد را به سمت خود میکشند. همان افراد در خانه روی دیگر خود را که حقیقتاً ترسناک است نشان می‌دهند که با کوچکترین محرکی زمین و زمان را به هم می‌ریسند.

### چرا نمیتوانیم با یک فرد روان پریش رابطه‌ای سالم داشته باشیم؟

گذشته از مشکلاتی مثل عدم توانایی همدلی، ناسازگاری و پرخاشگری، زورگویی و خشم بی‌امان، شش فاکتور دیگر وجود دارد که امنیت رابطه با یک روان پریش را تهدید می‌کند.

1- روان پریش‌ها کمترین استعداد را در انس گرفتن به دیگران دارند. در ابتدای ارتباط هیجان زده هستند، ولی آن هیجان بیشتر مربوط به سائق‌های جنسی است و نباید با علاقه و تعهد اشتباه گرفته شود. هیجان‌ات مذکور به زودی فروکش می‌کند و پرخاشگری‌ها آغاز میشوند. آنها حتی در مقام یک والد هم عواطف سالمی نسبت به فرزند خود ندارند.

3- روان پریش‌ها توانایی اینکه از صمیم قلب عذرخواهی کنند را، ندارند. برای اینکه از لحاظ بیولوژیکی آنها توان تجربه کردن احساس گناه را ندارند. به همین خاطر اغلب کارهایی انجام می‌دهند از نظر دیگران خلاف اخلاق و عرف است. حداکثر هنگام ارتکاب بدترین خطاها، در بهترین حالت ممکن است فقط بگویند " اشتباه کردم". همین!

4- خودشیفتگی شدید مانعی دیگر بر سر راه ارتباط سالم با یک فرد روان پریش است. این مسئله جزء اصلی اختلال آنهاست، بطوریکه حتی نیازی به تایید دیگران در خود نمی‌بینند. برعکس خود را محق میدانند که بقیه را کنترل کنند و به خدمت خود بگیرند. به همین خاطر متأسفانه در افراد روان پریش یک تمایل صادقانه به دوستی با دیگران وجود ندارد. هرکس را تا جایی می‌خواهند که در خدمت ایشان باشد.

5- از نظر افراد روان پریش، دیگران تنها وسیله‌هایی هستند که باید در خدمت امیال ایشان باشند. فرقی نمی‌کند که این افراد با آنها چه نسبتی داشته باشند و چقدر برای آنها صادقانه و از جان و دل فداکاری کرده باشند. تمایل به اعمال قدرت بر دیگران و کنترل آنان در روان پریشان بسیار نیرومند است.

6- فساد اخلاقی و تمایل به آن، از جمله بنیادی‌ترین خصوصیات رفتاری یک روان پریش است که ریشه عمیقی در سیم‌کشی‌های مغز او دارد. کسی که این ویژگی را دارد اغلب باعث صدمه زدن به اطرافیانش میشود و میتوان گفت که دست خودش نیست. بعضی از آنها حتی یک زندگی کاملاً دو گانه دارند و یا براحتمی میتوانند کودکان را مورد سوء رفتار قرار دهند.

ملاحظه میشود که امکان برقراری یک ارتباط سالم و صمیمی با افراد روان پریش تقریباً صفر است. چرا که آنها پیش نیازهای برقراری این نوع ارتباط از قبیل حس همدلی، شرم، استعداد صمیمیت، اهمیت دادن به دیگران، و ... را ندارند. بسیار دیده شده است که همسر یک فرد روان پریش می‌گوید: " با من اینکار را کرد و عین خیالش هم نبود". همسران آنها و یا هر کس که با آنان زندگی میکند، باید بدانند که توقعاتی که از یک فرد عادی دارند، در مورد یک روان پریش محلی از اعراب ندارد. نزدیکان این افراد در صورت عدم اطلاع از اختلال روان پریشی و داشتن توقع رفتارهای عادی از آنها، به سرعت دچار اضطراب و افسردگی میشوند و امکان دارد وارد یک رابطه خشونت بار بشوند که تمامی وجود آنها را در خود له می‌کند. یک فرد روان پریش هرگز صلاحیت بچه دار شدن را ندارد. همسر یا فرزند

## یک روان پریش بودن معادل است با ابتلا به PTSD

خبر بد این است که تا این لحظه هیچ درمانی برای روان پریشی کشف نشده است. هیچ دارویی نیست که بتواند حس همدلی را در افرادی که فاقد آن هستند، بیدار کند. روان پریشان تنها باید بصورت مداوم زیر نظر یک روانپزشک مجرب باشند تا نشانگان رفتاریشان تا حد ممکن کنترل شود. همگان باید بدانند که کاری از دست یک فرد عادی حتی در مقام یک مادر دلسوز، یک همسر عاشق، و یک فرزند فداکار برای روان پریشان بر نمیآید. تلاش در این راه، تنها منجر به بروز انواع اختلالات روحی و روان تنی در فرد دوم میشود. بدلیل رفتارهای بسیار رومانتیک و شیفته واری که در اوایل آشنایی از روان پریشان بروز میکند و ممکن است با عشق اشتباه گرفته شود، افراد باید بسیار مواظب باشند که به دام ازدواج با اینها نیفتند.

www.rozakhorshidi.com

منابع:

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (5th ed.). Arlington, VA: American Psychiatric Publishing.

Pemment, J. (2013). Psychopathy versus sociopathy: Why the distinction has become crucial. *Aggression and Violent Behavior*, 18, 458-461.

Thompson, D. F., Ramos, C. L. and Willett, J. K. (2014), Psychopathy: clinical features, developmental basis and therapeutic challenges. *Journal of Clinical Pharmacy and Therapeutics*. doi: 10.1111/jcpt.12182

Gottman, J.M., Jacobson, N.S., Rushe, R.H. Shortt, J.W., Babcock, J.B., La Taillade, J.J., et al. (1995). The Relationship Between Heart Rate Reactivity, Emotionally Aggressive Behavior, and General Violence in Batterers, 9, 227-248.

Yang, Y., Raine, A., Narr, K.L., Colletti, P., & Toga, A.W. (2009). Localization of deformations within the amygdala in individuals with psychopathy. *Archives of General Psychiatry*, 66, 986-994.

Babiak, P. & Hare, R.D. (2006). *Snakes in suits: When Psychopaths Go to Work*. New York: HarperCollins Publishing Inc.

Stout, M. (2005). *The Sociopath Next Door: The Ruthless vs. the Rest of Us*. New York: Broadway Books.